

دکتر غلام‌عباس توسلی*

آیا می‌توان بین کار زن در خانه و کار بیرون آشتی برقرار کرد؟

* استاد و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
Tavasoli@Chamran.ut.ac.ir

چکیده

در این مقاله، ضمن بررسی روند کلی شرکت زنان در فعالیتهای اقتصادی در چند دهه‌ی اخیر و تحول اندکی که در این زمینه حاصل شده، به ارائه‌ی نتایج یک بررسی در رابطه با تعارض نقش‌های خانه‌داری با کار زنان در بیرون خانه پرداخته شده‌است. در این بررسی که با ۳۲۵ زن در چهار منطقه‌ی تهران صورت گرفته، بیشتر زنان مورد پرسش (۶۰ درصد) بر اهمیت نقش سنتی و مسئولیتهای خانه‌داری خود تأکید کرده و در قبال این نقش نسبت به کار بیرون از خانه اولویت قائل شده‌اند. آن‌ها معتقد بودند که بین کار به عنوان یک فعالیت اقتصادی در جامعه، و حفظ و نگهداری زندگی خانوادگی و مراقبت از کودکان تعارض وجود دارد و آن‌ها غالباً حفظ زندگی خانوادگی را بر کار بیرون ترجیح می‌دهند، اما همچنان علاقه‌مند به کار و فعالیت اقتصادی بیرون از خانه هستند. قدر مسلم، این تعارض به‌آسانی قابل حل نیست، مگر آن که مانند برخی کشورهای توسعه‌یافته، مقررات و امکانات حمایتی وسیعی ایجاد شود و مادران بتوانند هنگام کار بیرون، از خدمات مؤسسات ذی‌ربط (مهد کودک، کودکان و ...) و یا اشخاص بهره‌مند باشند و تفاهم بیشتری در این باره بین زن و شوهر پدید آید.

کلیدواژه‌ها

اشتغال، خانه‌داری، تعارض نقش، فشار نقش، ادراک نقش، قوانین حمایتی، تعدیل نقش

طرح مسئله

جامعه‌ی ایران از چند دهه‌ی پیش، برای رسیدن به مرحله‌ی یک جامعه‌ی پیش‌رفته‌ی صنعتی با مقتضیات اجتماعی-اقتصادی خاص آن تلاش می‌کند. هر چند در موارد مختلف پیش‌رفت‌هایی حاصل شده، اما بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و پتانسیل نیروی انسانی میسر نگشته، و به‌ویژه توسعه‌ی کار زنان هنوز در مراحل اولیه‌ی خود باقی مانده‌است؛ بدین معنا که کار زن در بیرون از خانه، به عنوان یک عامل اقتصادی، هنوز فراگیر نشده‌است.

بر اساس آمارهای سرشماری، علی‌رغم افزایش اندک حجم فعالیت زنان، از سه دهه‌ی پیش تا کنون، نسبت درصد اشتغال زنان در حدود ۱۰ درصد جمعیت فعال زن باقی مانده‌است که نسبت به کشورهای توسعه‌یافته‌ی صنعتی نسبتی پایین است. از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلفی که می‌تواند مورد توجه و نگرش قرار گیرد، تعارض بین کار خانه‌داری (که سنتاً به زنان تعلق داشته) و کار بیرون از خانه (که عمدتاً مردان متصدی انجام آن بوده‌اند) می‌باشد که هم ناشی از ساختارهای اقتصادی و هم ناشی از پایداری نظام سنتی گذشته است. جالب توجه است که بیشتر زنان مورد پرسش در یک بررسی (حدود ۶۰ درصد)، ضمن اذعان به این تعارضات، بر اهمیت نقش سنتی خانه‌داری و ضرورت آن تأکید کرده و برای این نقش نسبت به کار بیرون اولویت قائل بوده‌اند. در این مقاله سعی شده‌است ضمن ارائه و تحلیل شرایط کنونی کار زنان در ایران به لحاظ کمی، به نتایج تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اشاره شود.

نظری به شرایط و تحول فعالیت و اشتغال زنان

آمار جمعیت فعال کشورها و مقایسه‌ی آمارهای سرشماری‌های مختلف با یک‌دیگر نشان می‌دهد که نسبت و میزان فعالیت زنان در ایران و اروپا تقریباً

معکوس است. بدین معنی که مثلاً در کشوری مثل فرانسه، در حالی که تنها ۱۰ درصد زنان در سن فعالیت کار نمی‌کنند و بقیه شاغل هستند، در ایران، تنها کمتر از ۱۰ درصد زنان در سن فعالیت کار می‌کنند. به طور کلی، هنوز کار زنان در کشور ما هیچ عمومیتی پیدا نکرده و خانه‌داری و وابستگی به مرد، در زندگی زن نقشی عمده و اصلی دارد. شکی نیست که امروزه برای بهره‌گیری از تمامی نیروی انسانی در سن فعالیت، تلاشی درخور توجه می‌شود؛ و یا به عبارتی، به لحاظ نظری، نه از سوی دولت و نه از طرف خانواده‌ها (به طور کلی)، مانعی برای پرداختن زنان به فعالیت‌های اقتصادی بیرون خانه وجود ندارد؛ اما وزنه‌ی سنت‌ها هنوز سنگینی می‌کند. مناسبات خانوادگی، تعداد فرزندان و آماده‌نبودن محیط‌های اجتماعی، برای پذیرش بی‌قیدوشرط و بدون اشکال زنان در کارهای بیرون خانه - به‌خصوص کارهایی که به مردانه معروف شده -، عملاً توسعه‌ی کافی پیدا نکرده‌است. قدر مسلم، تعداد زنانی که به بازار کار عرضه می‌شوند و به کار می‌پردازند هر روز بیشتر می‌شود، اما با توجه به رشد جمعیت و نیازهای اقتصادی روزافزون خانواده به کار زن، علی‌رغم افزایش تدریجی حجم نیروی فعال زن از گذشته تا به امروز، نسبت جمعیت فعال زن همچنان ثابت باقی مانده و حتا رو به کاهش رفته‌است. دست کم در سرشماری‌های ۵ گانه‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، نوسان این نسبت کاملاً محسوس است، به طوری که امروز، هنوز فقط ۹ درصد زنان در سن فعالیت عملاً فعال هستند، که در مقایسه با میزان فعالیت مردان حدود $\frac{1}{10}$ بیشتر نیست. یعنی از هر ۱۰ زن در سن فعالیت، عملاً یک نفر به کار اشتغال می‌ورزد.

در جدول ۱ مشاهده می‌گردد که در سال ۱۳۵۱ کثرت و انبوهی زنان در بخش کشاورزی قابل ملاحظه می‌باشد، ولی آنچه حائز اهمیت است آن که زنان نسبت به سال‌های گذشته دارای مهارت و تخصص بیشتری شده و کارآیی آنان افزایش یافته‌است. با این حال، اکثریت زنان ده‌ساله و بالاتر کشور خانه‌دار یا محصل هستند.

نسبت زنان خانه‌دار در سن فعالیت که در سرشماری سال ۱۳۵۵، ۷۹ درصد بوده، در سرشماری سال ۱۳۷۵ یعنی بیست سال بعد به ۶۵ درصد کاهش یافته‌است. اما این کاهش نباید ما را در افزایش اشتغال زنان دچار توهم کند، زیرا این تفاوت به نفع بازار کار زنان نبوده، بلکه توسعه‌ی تحصیلات زنان و علاقه‌ی دختران به ادامه‌ی تحصیل موجب این تفاوت شده‌است: درصد محصلین زن بین دو سرشماری مذکور از ۱۷ درصد جمعیت غیر فعال در سال ۱۳۵۵ به حدود ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده‌است که این افزایش موجب بالا رفتن سطح تحصیلات زنان می‌شود و ازدواج دختران را با تأخیر مواجه می‌کند و نیز می‌تواند در صورت اشتغال به بهره‌وری کمک کند. (شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی کار زنان، ۱۶۹)

جدول ۱- توزیع جمعیت شاغل بر حسب مهارت و جنس در نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۵۱ (وزارت کار و امور اجتماعی)

انواع مهارت	جمع	درصد	جمع زنان	درصد زنان
کشاورز	۳'۳۴۷'۷۹۳	۴۳/۸	۸۰'۹۶۱	۱۰/۷
ساده	۱'۰۴۳'۸۰۴	۱۴/۷	۸۶'۳۲۲	۱۱/۵
ماهر	۲'۷۰۷'۸۹۴	۳۵/۵	۴۰۶'۹۴۶	۵۳/۹
استادکار	۴۴۷'۶۱۰	۵/۹	۱۶۷'۰۳۵	۲۲/۱
متخصص عالی	۸۷'۴۷۶	۱/۱	۱۳'۸۲۴	۱/۸
اظهار نشده	۱'۰۵۶	۰/۰۰	-	-
جمع	۷'۶۳۵'۶۳۳	۱۰۰/۰	۷۵۵'۰۸۸	۱۰۰/۰

جداول آماری بر اساس سرشماری‌ها آشکار می‌سازد که حدود ۹۰ درصد زنان ۱۰ ساله و بالاتر کشور غیر فعال هستند که از این نسبت ۲۹/۶ درصد محصل و دانش‌جو و ۶۵ درصد مسئولیت خانه‌داری را بر عهده داشته‌اند (سرشماری ۱۳۷۵). بنابراین در سال ۱۳۷۵ حدود ۸ درصد زنان ۱۰ ساله و بالاتر عملاً شاغل و ۱/۲ درصد بی‌کار و جویای کار بودند (که ۰/۱ درصد آن‌ها نیز قبلاً شاغل بوده و شغل خود را از دست داده بودند).^۱

۱- ر.ک. سرشماری سال ۱۳۷۵، سال‌نامه‌ی آماری کشور ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران، ۱۱۰-۱۳۰

بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که کثرت زنان شاغل در بخش کشاورزی است و بقیه به عنوان کارگر ساده و ماهر و استادکار و در مواردی متخصص و با تحصیلات عالی ملاحظه می‌شود.

جدول ۲- توزیع نسبی جمعیت غیر فعال بر حسب مناطق

به تفکیک جنس

(آمار سرشماری‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵)

تغییرات	۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		شرح	کل کشور
	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد		
+ افزایش نسبت زنان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمعیت غیر فعال	
- کاهش نسبت زنان	۳۹/۵۹	۷۶/۷۷	۱۸/۲۱	۷۳/۶۷	۱۷/۰۶	۸۰/۵۴	محصل	
± نوسان	۱/۸۰	۱۰/۷۶	-۰/۹۲	۸/۱۴	۲/۴۶	۱۲/۳۹	خانه‌دار	
	۳/۶۴	۱۱/۰۹	۵/۵۰	۱۵/۱۶	۱/۴۹	۷/۰۷	دارای درآمد بدون کار سایر	
+ رو به افزایش	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمعیت غیر فعال	مناطق شهری
- رو به کاهش	۳۳/۹۹	۷۷/۲۱	۲۲/۵۶	۷۴/۹۴	۲۶/۱۲	۸۲/۰۹	محصل	
± نوسان	۱/۳۲	۱۱/۸۷	-۰/۹۱	۱۰/۶۸	۲/۰۰	۱۱/۹۰	خانه‌دار	
	۲/۷۶	۹/۶۸	۳/۳۷	۱۱/۵۹	۱/۱۳	۶/۰۱	دارای درآمد بدون کار سایر	
+ افزایش	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمعیت غیر فعال	مناطق روستایی
- کاهش	۲۲/۲۵	۷۵/۹۶	۱۲/۸۴	۷۱/۸۸	۷/۸۵	۷۷/۹۰	محصل	
± نوسان	۲/۴۳	۸/۵۰	-۰/۹۴	۴/۵۵	۲/۸۴	۱۳/۲۲	خانه‌دار	
	۵/۳۲	۱۳/۸۷	۸/۱۲	۲۰/۲۱	۱/۷۶	۸/۸۸	دارای درآمد بدون کار سایر	

از لحاظ حجم جمعیت فعال زن در سال ۱۳۷۶، از میان ۲'۳۶۰'۴۲۰ نفر کارکنان دولت، ۲'۱۲۹'۴۴۸ نفر مشمول قوانین و مقررات استخدام کشوری بوده که قریب به ۱'۴۵۴'۰۳۵ نفر آن مرد و ۶۷۵'۴۲۴ تن زن بوده‌اند و این نشان می‌دهد که تعداد زنان در بخش خدمات دولتی به نسبت زیادتر است.

به‌علاوه، از حدود ۲۳۰'۸۷۲ نفر کارکنان تابع قانون کار، ۲۱۷'۸۷۴ نفر مرد و تنها ۱۲'۹۹۸ تن زن بوده که در ۲۵ وزارتخانه و نهاد انقلاب اسلامی مشغول کار بوده‌اند. بیشترین تعداد زنان که حدود ۶۷۵'۴۲۳ نفر را شامل

می‌شود در آموزش و پرورش و بعد از آن در وزارت بهداشت اشتغال داشته‌اند. در سال ۱۳۷۶ حدود ۱۳'۰۰۰ نفر از زنان از کل ۲۳۰'۰۰۰ نفر، تابع قانون کار بوده‌اند. در حدود ۹'۰۰۰ نفر زن در وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ۱'۵۰۰ نفر در وزارت نیرو و بقیه در مؤسسات و سازمان‌های مختلف (کمتر از ۴۰۰ نفر) مشغول به کار بوده‌اند.

جدول ۳- توزیع جمعیت شاغل بر حسب جنس^۱

وضعیت شغلی	کل	مرد	زن
بخش خصوصی	۹'۷۹۴'۰۰۰	۸'۸۱۲'۰۰۰	۹۸'۰۰۰
کارفرما	۵۲۸'۰۰۰	۵۱۱'۰۰۰	۱۶'۰۰۰
مزد و حقوق‌بگیر	۳'۲۷۰'۰۰۰	۳'۰۲۰'۰۰۰	۲۵۰'۰۰۰
کارکن خانوادگی بدون مزد	۷۹۷'۰۰۰	۴۳۱'۰۰۰	۳۶۷'۰۰۰
مزد و حقوق‌بگیر بخش دولتی	۴'۲۵۸'۰۰۰	۳'۵۶۰'۰۰۰	۶۹۸'۰۰۰
بخش تعاونی	۵۷'۰۰۰	۴۸'۰۰۰	۹'۰۰۰
اظهارنشده	۴۶۳'۰۰۰	۳۸۴'۰۰۰	۷۹'۰۰۰
جمع کل کارکنان	۱۴'۵۷۲'۰۰۰	۱۳'۸۰۶'۰۰۰	۱'۷۶۵'۰۰۰

نکته‌ی قابل ملاحظه این است که علی‌رغم نسبت پایین جمعیت فعال زن به کل جمعیت، حدود ۱'۷۶۵'۰۰۰ نفر زن شاغل وجود دارد که بیش از یک‌میلیون نفر در بخش خصوصی و بقیه به صورت کارگر و یا کارمند در بخش‌های دولتی و تعاونی و غیره فعال اند که کارشان می‌تواند با نگهداری کودکان‌شان تعارض داشته‌باشد.

قدر مسلم، خانه‌داری زنان بر فعالیت بیرون از خانه غلبه دارد، اما اگر زنان عملاً بخواهند مجدانه در فعالیتهای اقتصادی و بازار کار حضور داشته‌باشند، بی‌شک نیاز به حمایت و کمک‌های مادی و معنوی فراوانی دارند. در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی که نسبت زنان فعال و شاغل به مردان بسیار نزدیک است، مشکلات و محظورات فراوانی برای زنان

۱- ر.ک. سرشماری سال ۱۳۷۵، سال‌نامه‌ی آماری کشور ۱۳۷۷، مرکز آمار ایران، ۱۱۰-۱۳۰

خانه‌دار وجود دارد که نه تنها تناقضاتی بین کار و نگهداری اطفال ایجاد می‌کند، بلکه تنش‌ها و کشاکش‌های درونی زیادی نیز برای خود زنان به وجود می‌آورد و در موارد زیادی زنان باید تلاش و کار مضاعفی را تحمل کنند تا بتوانند تا حدی تعارض میان کار خانه و کار بیرون از خانه را جبران کنند.

سایر راه حل‌ها، مثل کار مردان و کمک به زنان در خانه، هر چند تا حدی مؤثر بوده، اما نه عمومیت پیدا کرده و نه توانسته است مسئله را یک‌باره حل کند.

به همین دلیل است که امروزه، دولت فرانسه برای مواجه شدن با مشکل کمبود نیروی انسانی و پیری جمعیت و پاسخ دادن به تمایل خانواده برای داشتن فرزند بیشتر، به مقررات و قوانین مهم جدیدی متوسل می‌شود که بتوانند حمایت از زنان کارکن دارای فرزند را هر چه بیشتر گسترش و تعمیم دهد، و در این راه - صرف نظر از هزینه‌ی هنگفت و پیش‌بینی در بودجه تا مبلغ بیش از یک میلیارد یورو- مقررات ویژه‌ی نحوه‌ی نگهداری از فرزند بر حسب تمایل مادر و والدین را مد نظر قرار داده است.^۱

اکنون این سؤال پیش می‌آید که در شرایط ایران که ظاهراً نسبت زنان شاغل بسیار کمتر از مردان است، چنین قوانین حمایتی ضرورت دارد یا خیر؟ با توجه به نزدیک به دومیلیون زنی که در شرایط حاضر به فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه می‌پردازند، و سیل عظیم زنان تحصیل کرده و دانشجویانی که به تدریج فارغ‌التحصیل شده، به بازار کار عرضه می‌شوند و با توجه به تخصص‌های متنوع و ارزنده‌ی کار زنان که می‌تواند در رفع نیازهای جامعه و شرکت ماهرانه و متخصصانه در فعالیت‌های اقتصادی، بازده کار را کم‌کم و کیفیاً ارتقا دهد، باید دید چه راه‌کارها و ابزارهایی برای بهره‌گیری بیشتر از این نیروی انسانی ماهر وجود دارد و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، بدون آن که به ارکان خانواده و کیفیت زندگی درونی و مراقبت از کودکان و حفظ جو عاطفی خانواده‌های ایرانی لطمه‌ئی جبران‌ناپذیر وارد سازد.

۱- برای توضیح بیشتر رجوع شود به Le Monde, No. 30, Avril 2003, pp. 9,15.

در این‌جا، برخی نتایج یک پژوهش را که در بین زنان خانه‌دار زیر نظر این‌جانب در مورد «تعارض شغلی و خانوادگی زنان شاغل به‌کار» از دیدگاه خود آن‌ها به عمل آمده یادآور می‌شویم. باشد که ما را تا حدی با واقعیت‌های زندگی زنان ایرانی آشنا سازد. در این بررسی که در چهار منطقه‌ی تهران به عمل آمده، سعی شده‌است اقشار مختلفی پوشش یابد. برخی سوالات مطروحه در این زمینه به قرار زیر بوده‌است^۱:

- آیا زنان شاغل در ایفای نقش کاری خانه‌داری دچار تعارض نقش می‌شوند؟

- در صورت جواب مثبت، میزان این تعارض تا چه حد است؟

- تعارض کار-خانه‌داری موجود در بین زنان شاغل تابع چه عواملی است؟

- در کدام گروه‌های شغلی این تعارض بیشتر است؟

- زنان چه تصور و ادراکی از نقش‌های سنتی خود دارند و آیا قائل به

تعدیل آن هستند؟

- میزان مشارکت همسران زنان شاغل در امور خانه‌داری تا چه حد است

و آیا به نظر آنان این میزان مشارکت کافی و منصفانه است؟ و آیا این امر

از میزان تعارض نقش کار-خانه‌داری می‌کاهد یا خیر؟

- زنان شاغل تا چه حد خود را در انجام وظائف خانه‌داری موفق می‌دانند؟

چهارچوب نظری این تحقیق، تعارض نقش و روابط خانواده-کار است که

در جامعه‌شناسی از جایگاه و اهمیتی خاص برخوردار است. اما در این‌جا، با

توجه به ابعاد محدود مقاله، نمی‌خواهیم وارد بحث‌های طولانی نظری شویم،

لذا تنها به اشاره‌ئی مختصر بسنده می‌کنیم و چند مفهوم را در رابطه با

تصادها و تعارض نقش‌ها توضیح می‌دهیم:

۱- **دل‌سردی از نقش**- هنگامی اتفاق می‌افتد که نقش معینی در زندگی

فرد از اولویت و اهمیت برخوردار نیست و شخص به جای آن که نقش را در

۱- بررسی تعارض شغلی و خانوادگی زنان شاغل (کار-خانه‌داری)، به کوشش محمد تهوری، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۸-۷۷، زیر نظر دکتر غلام‌عباس توسلی

ذهن و روح خود جایگزین کند، آن را تنها به این دلیل می‌پذیرد و ایفا می‌کند که ضرورت ایجاب می‌کند یا دیگران از او انتظار دارند. ایفای نقش در این حالت، غالباً همراه با فشارهای روانی است، تا جایی که فرد ممکن است اولویت خود را تغییر داده، نقشی جدید را به عنوان امری مثبت پذیرا شود یا به آن صورت نمایشی بدهد و عملاً خود را جدا از یکی از دو نقش احساس کند، به طوری که از کارش نتیجه‌ئی مطلوب به دست نیآورد.

۲- فشار نقش- نتیجه‌ی تعارض وظایف یا توقعاتی است که در قبال آن نقش وجود دارد. به این وضعیت فشار نقش می‌گویند.

۳- شکست در ایفای نقش- وقتی افراد چندین نقش را هم‌زمان ایفا می‌کنند، در معرض خواست‌های متعارضی قرار می‌گیرند و ممکن است در ایفای یک یا چند نقش خود دچار شکست و ناکامی شوند. اما آنچه غالباً اتفاق می‌افتد این است که افراد بیشتر در ایفای نقش اکتسابی (یا محقق) خود دچار شکست می‌شوند.

۴- تعارض نقش‌ها- در صورتی که تعارض و کش‌مکش بین نقش‌ها پیش آید، فرد دچار اختلال فکری و بی‌نظمی می‌شود و ممکن است به کش‌مکش‌های روانی و حتا انواع استرس منجر شود. حال در مورد خاص این تحقیق، سؤال اصلی که محور فرضیه را تشکیل می‌دهد، این است که در بین زنان شاغل ایرانی، تا چه حد کار بیرون از خانه با زندگی خانوادگی در تعارض قرار می‌گیرد و تا چه حد امکان برطرف کردن فشارها و تعارضات برای زنان خانه‌دار وجود دارد. به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی که هنوز کار زنان عمومیت پیدا نکرده، این تعارض (وقتی که پیش آید) عمدتاً به نفع پایگاه خانواده و عدم اولویت دادن کار بیرون منجر می‌شود. در موارد خاص، دل‌بستگی به نقش کار بیرون از خانه نزد زنان ممکن است منجر به کش‌مکش‌های درون خانه و احیاناً طلاق گردد^۱.

۱- نگاه کنید به بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس دکتر توسلی، رضا فاضل، انتشارات سمت، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱، صص ۸۳ تا ۱۰۳

با توجه به پرسش‌های طرح‌شده در این‌جا، برخی عوامل مؤثر در تعارض ایفای نقش خانه‌داری با کار بیرون نزد زنان (بدون دنبال کردن پی‌آمدهای احتمالی آن) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است و به‌ویژه، ضرورت تصویب قوانین حمایتی از زنانی که کار بیرون خانه دارند گوش‌زد شده‌است.

کارکردگرایان از این فرض آغاز می‌کنند که همه‌ی جوامع تفاوت‌های جنسیتی را تشویق می‌کنند، زیرا این تفاوت‌ها اثراتی مثبت بر کل جامعه دارد. به باور آن‌ها، حداقل در جوامع سنتی و ماقبل صنعت، ایفای نقش‌های متفاوت کارکرد مثبتی برای زنان و مردان داشته‌است و خانواده با تبعیت از این الگو کارکرد مؤثرتری می‌تواند داشته‌باشد^۱. اما نظریه‌های فمینیستی این گونه نقش‌های جنسیتی را نمی‌پذیرند و زنان را در موقعیت نابرابر با مردان و یک گروه ستم‌دیده تلقی می‌کنند که قربانی نظامی مردسالارانه شده‌اند^۲.

مرور مطالعات انجام‌یافته

هر چند در مورد کار زنان مطالعات پراکنده‌ئی موجود است، اما رابطه‌ی کار و خانه‌داری و اثرات متقابل آن‌ها کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌است؛ به‌ویژه عناوین کمتری در مورد تضاد بین کار خانه‌داری و کار بیرون از زبان خود زنان ابراز شده‌است.

آن‌چه از پایان‌نامه و مقاله در دسترس است، به نحو غیرمستقیم با این مسئله در ارتباط است تا مستقیم. برای نمونه، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خانم فرشته آقائی زیر عنوان *سنجش نگرش مردان شاغل در آموزش و پرورش تهران نسبت به اشتغال زنان در خارج از منزل*، ضمن بحث در انگیزه‌ها و موانع اشتغال زنان به آثار و پی‌آمدهای آن در خانواده نیز پرداخته‌است. به نظر ایشان، یکی از مهم‌ترین موانع اشتغال زنان در ایران، چه‌گونگی نگرش مردان و زنان در سطوح کلی جامعه و گسترش آن به خود زنان نسبت به اشتغال

۱- رابرتسون، یان، ۱۳۷۲. *درآمدی بر جامعه*. ترجمه‌ی حسین مهران. ص ۲۸۰.

۲- ریترز، جورج، ۱۳۷۴. *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران. ص ۵۱۴.

زنان در بیرون از خانه است. این نگرش، نگرشی منفی است. در این بررسی، پژوهشگر «آثار اشتغال بر خانواده» را، هم مثبت و هم منفی ارزیابی کرده است. از جمله، در طبقات پائین جامعه که خانواده نیاز شدیدی به درآمد زن دارد، کار زن طبیعی می‌نماید، زیرا جنبه‌ی حیاتی دارد و خانواده نمی‌تواند از آن صرف‌نظر کند، اما برای طبقات بالا چنین نیست. در مورد اثرات اشتغال زن بر خانواده، ایشان بر این باور است که زمانی که زن و مرد، هر دو شاغل هستند قهراً تعدد نقش‌ها برای زن پیش می‌آید و کار خانه دائماً دچار اختلال می‌شود. راه‌حل پیشنهادی ایشان، تقسیم کار در منزل بین زن و مرد است و مرد باید زن را در کار خانه یاری کند، اما در عمل مشاهده می‌شود که مردان تمایل اندکی برای کمک به همسران شاغل خود در خانه دارند (آقائی، ۱۳۷۳: ۷۴).

در این اثر آمده است که تعدد وظایف تنها مسئله‌ی زن امروز نیست، بلکه تنوع و تعارض پدیده‌ی خاص عصر ما است. از دیدگاه زنان شاغل، مادر بودن یعنی بعد عاطفی رفتار را قوی‌تر ساختن از کاری که برای کارفرما یا رئیس انجام می‌شود. وی می‌افزاید: این تناقض بزرگ، در طبیعت جامعه‌ی امروزی است و از آن رو است که زن با تسخیر فضاهای اجتماعی جدید، خواه و ناخواه بارهای سنتی را نیز بر دوش می‌کشد و مسئولیت‌های تازه بر مسئولیت‌ها و وظایف قبلی او افزوده می‌شود، اما مردان تمایل کمتری به انجام امور خانه از خود نشان می‌دهند. حتی در کشورهای صنعتی مانند ژاپن که هنوز وزنه‌ی سنت سنگین است، مردها تنها ۱۵ دقیقه از وقت روزانه‌ی خود را به انجام امور خانه اختصاص می‌دهند و در هندوستان، ۴۰ درصد مردان در امر خرید یا نگهداری از کودکان به زنان کمک می‌کنند^۱.

۱. نگاه کنید به مجله‌ی کار، از انتشارات وزارت کار و امور اجتماعی، شماره‌ی ۴۰، ص ۴۳.

مطالعات میدانی

برخی ویژگی‌های جمعیت آماری به قرار زیر بوده‌است:

۱- توزیع سنی

بر حسب این جدول، افراد کمتر از ۲۵ سال فقط ۴ درصد بوده، بنابراین اکثریت زن‌های مورد پرسش در سن میانه، یعنی ۳۰ تا ۴۹ سال (۸۴ درصد) است که معمولاً سن باروری و فرزندداری از یک سو و سن فعالیت شدید از سوی دیگر است. جوان‌ترها و افراد مسن که در دو قطب پیوستار هستند اندک اند. بنابراین توزیع سنی نمونه متناسب به نظر می‌رسد و موازنه‌ی سنی وجود دارد.

جدول ۴- توزیع سنی پاسخ‌گویان

سن	درصد
کمتر از ۳۰ سال	۲۴
۳۰ تا ۳۴ سال	۲۳/۵
۳۵ تا ۳۹ سال	۱۷
۴۰ تا ۴۹ سال	۲۳/۵
۵۰ سال و بیشتر	۱۲
جمع	۱۰۰

میانگین سن افراد نمونه ۳۶/۱ سال بوده‌است.

۲- سطح سواد

میانگین سطح سواد نیز در زنان مورد مطالعه بالا بوده و ۸۵ درصد آنان دیپلم و بالاتر بوده‌اند. فقط ۳ درصد بی‌سواد و ۵ درصد دارای تحصیلات ابتدایی بوده‌اند.

در مجموع، جمعیت نمونه از سطح تحصیلات بالائی برخوردار اند و در عین حال به خانه‌داری رغبت دارند؛ لیکن همگی شاغل نیز بوده‌اند.

جدول ۵- توزیع زنان نمونه بر حسب سطح سواد

درصد	میزان سواد
۸	کمتر از ابتدائی
۷	راهنمایی و دبیرستان
۳۴	دیپلم
۵۱	تحصیلات عالی
۱۰۰	جمع

۳- توزیع شغلی

اکثریت زنان شاغل (۴۷درصد) به مشاغل آموزشی می‌پردازند و این میزان با توجه به نسبت زنان شاغل در کل فعالیت‌های آموزشی منطبق است. در درجه‌ی دوم زنان شاغل مذکور به مشاغل کارمندی می‌پردازند که جمعاً ۷۰درصد زنان شاغل را شامل می‌شود. مشاغل تخصصی در سطح عالی ۹درصد، پرستار و ماما ۴درصد و مشاغل خدماتی ۱۳درصد بوده‌اند.

جدول ۶- توزیع جمعیت نمونه بر حسب گروه‌های عمده‌ی شغلی

درصد	نوع شغل
۴۷	مشاغل آموزشی
۲۳	کارمند
۱۳	مشاغل خدماتی و حرفه‌ئی
۹	مشاغل تخصصی سطح عالی
۴	پرستاری و مامائی
۴	مشاغل آزاد
۱۰۰	جمع

اشتغال در امور آموزشی، اعم از آموزگاری، دبیری و مشاغل مدیریتی مرتبط با آن در ایران امروز، جزو مشاغل اکثریت زنان تحصیل کرده است که به کار اشتغال می‌ورزند. مشاغل تخصصی و مشاغل آزاد در مورد زنانی که

خانه‌داری می‌کنند با توجه به سنگینی این‌گونه کارها اندک است. تزاحم این‌گونه مشاغل (آموزشی) با وظائف مادری و همسری کمتر از سایر مشاغل است و این‌گونه مشاغل را می‌توان مشاغل بیشتر زنانه نامید که با درآمد اندک آن می‌تواند کمک‌کار خانواده‌های متوسط و پایین باشد و بخشی از هزینه‌های زندگی این‌گونه خانواده‌ها را تأمین کند. مشاغلی که علاوه بر کسب درآمد برای خانواده این امکان را فراهم می‌آورد که بتوانند انتظار جامعه را به عنوان یک زن خانه‌دار برآورده کنند. (شادی‌طلب، ۱۳۷۶: ۱۵۷)

آ- تغییرات اظهار نظر زنان در مورد ایفای نقش سنتی

نخستین پرسش این است که زنان خود تا چه حد به کار بیرون از خانه رغبت و علاقه نشان می‌دهند و تا چه حد وزنه‌ی سنت و عادت آن‌ها را به خانه‌داری و نقش فرزندداری ترغیب و متمایل می‌کند. نتیجه‌ی این پرسش نشان می‌دهد که اکثریت قاطع زنان هنوز تمایل زیادی به حفظ و ادامه‌ی نقش سنتی خود دارند. ۶۰ درصد پاسخ‌گویان به طور کامل قائل به نقش سنتی هستند و ۳۰ درصد به نقش نیمه‌سنتی و تنها ۱۰ درصد به نقش غیر سنتی قائل اند. بنابراین اکثریت زنان شاغل برای اشتغال خارج از خانه اولویت قائل نیستند و نقش نان‌آوری را به مرد ارجاع می‌دهند.

پرسش مکمل این سؤال این بود که: «با این نظر که می‌گویند نان‌آوری و کار، بیشتر وظیفه‌ی مردان؛ و خانه‌داری و رسیدگی به فرزندان بیشتر وظیفه‌ی زنان است تا چه حد موافق هستید؟»

مجموعه‌ی این دو سؤال ما را به مفهوم ادراک نقش هدایت کرد که در

جدول ۷ منعکس است.

باید توجه داشت که بین این زنان، اکثریت قابل ملاحظه‌ی دارای سطح تحصیلی عالی جدید بوده‌اند (جدول ۵). مسلماً این گرایش در بین زنان شاغلی که در سطوح تحصیلی پایین‌تر قرار می‌گیرند بیشتر است.

جدول ۷- در رابطه با کار بیرون و خانه‌داری برای کدام نقش اولویت قائل اید؟

ادراک نقش	درصد
قائل به نقش سنتی (خانه‌داری)	۶۰
قائل به نقش نیمه‌سنتی	۳۰
قائل به نقش غیر سنتی	۱۰
جمع	۱۰۰

ب- میزان علاقه به هم‌کاری شوهران در امور خانه‌داری و مسئولیت مشترک زن و مرد چه اندازه است؟

به عبارت دیگر تا چه حد معتقد اند که زوجین بالسویه در امور درون خانه باید مشارکت داشته‌باشند و مردان از زنان انتظار انجام موفقیت‌آمیز همه‌ی وظائف و کارهای خانه‌داری را نداشته‌باشند.

برای سنجش این موضوع، سوالاتی به شرح زیر مطرح گردید که نتایج آن در جدول ۸ آمده‌است.

۱- با این نظر که «وظائف خانه‌داری مسئولیت مشترک و برابر زنان و همسران آنها است» تا چه حد موافق اید؟

۲- با این نظر که «زنان شاغل نبایستی انتظار داشته‌باشند که آنان در امور خانه‌داری مانند زنان خانه‌دار موفق باشند» تا چه حد موافق اید؟

۳- با این نظر که «وظائف خانه‌داری بار اضافی بر دوش زنان شاغل است» تا چه حد موافق اید؟

مجموعه‌ی این پرسش‌ها ما را به مفهومی زیر عنوان تعدیل نقش زن در خانواده هدایت می‌کند که نتیجه‌ی پاسخ‌ها به شرح جدول زیر است:

جدول ۸- میزان تعدیل نقش‌های خانوادگی نزد زنان

میزان	درصد
کم	۱۸
متوسط	۷۷
زیاد	۵
جمع	۱۰۰

چنان که در این جدول منعکس است، اکثریت قابل ملاحظه‌ئی از زنان به میزان متوسط و کم در ایفای نقش‌های سنتی‌شان تعدیل حاصل شده‌است، اما کسانی که به افراط گرائیده‌اند اندک اند (۵درصد). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تحولی در جهت تعدیل وظائف خانوادگی زن به وجود آمده و تعدادی از زنان خواهان مشارکت همسران خود در قبول و ایفای وظائف درون خانه هستند. چنین نگرشی نزد زنان شاغل نسبت به تعدیل نقش زن و مرد در خانواده که می‌تواند برحسب گروه‌های مختلف متفاوت باشد، قابل ملاحظه است و در عین حال طبیعی به نظر می‌رسد.

زنان با پذیرش ایفای نقش حرفه‌ئی خارج از خانه، پیشاپیش خود را از محدوده‌ی سنتی تقسیم وظائف مشترک خارج ساخته و به تدریج چنین تعدیلی را از چه‌گونگی نقش مشترک و کسب درآمد پذیرا شده‌اند. اما در این تغییر نگرش هنوز در میانه‌ی راه هستند؛ یعنی چنین تعدیلی هنوز مورد رضایت کامل طرفین قرار نگرفته‌است و عملاً تعارض نقش‌ها به تعارضات (خانوادگی) دیگر کشیده می‌شود. اما در نهایت می‌تواند منجر به تعادل بیشتر ایفای نقش مشترک شود. به عبارت دیگر، به موازات اشتغال زن در بیرون از خانه و کسب درآمد برای خانواده، زن و شوهر بیشتر آمادگی پیدا می‌کنند تا در دیدگاه سنتی توزیع نقش‌های خانگی تغییر ایجاد کنند، اما این یک فرآیند طولانی است.

پ- میزان موفقیت زنان شاغل در امر خانه‌داری

در پاسخ به این پرسش که «تا چه حد در انجام وظائف خود در امر خانه‌داری و اداره‌ی منزل موفق هستید؟» پاسخ‌ها به شرح جدول زیر بوده‌است:

جدول ۹- تا چه حد در انجام وظائف خود در امر خانه‌داری و اداره‌ی منزل موفق هستید؟

میزان موفقیت ابرازشده	درصد
کم	۳
متوسط	۲۳
زیاد	۷۴
جمع	۱۰۰

روشن است که زنان شاغل کار خانه‌داری خود را اکثراً موفقیت‌آمیز دانسته‌اند و نسبت بسیار کمی (۳درصد) به عدم موفقیت خود قائل بوده‌اند. به نظر می‌رسد که با توجه به نوع مشاغل اکثریت زنان (کارهای آموزشی و اداری) که هرچند دشواری‌های خاص خود را دارد، اما وقت اضافی برای رسیدگی نسبی به کار خانه و خانواده در اختیار آنان قرار می‌دهد، زنان شاغل پاسخ‌گو، در مجموع، انجام وظائف خانوادگی را برای خود دشوار ندانسته و در این زمینه با مشکل عمده‌ئی مواجه نبوده‌اند. تلقی دیگر این است که این نتایج را می‌باید نوعی دفاع زنان از اشتغال بیرون خانه تلقی کرد و آن را چنین ارزیابی کرد که زنان شاغل مایل نیستند علی‌رغم کار بیرون خانه و اشتغال، در ایفای نقش خانوادگی و وظائف زن ایرانی که در استحکام خانواده و رضایت شوهر نقش دارد، خود را ناتوان جلوه دهند. به‌علاوه، در این صورت با توجه به اهمیت و اولویت نقش‌های خانوادگی، نقش حرفه‌ئی زن، نقش نان‌آوری مردان و خانه‌داری زنان مورد تردید و سؤال قرار می‌گیرد. زنان خانه‌دار شاغل نگران آن هستند که

اشتغال‌شان قربانی ایفای نقش خانوادگی گردد. به این ترتیب تلاشی مضاعف را می‌پذیرند و به رغم اشتغال بیرون خانواده، در کار خانه نیز خود را موفق جلوه می‌دهند و فشار مضاعف ناشی از مسئولیت‌ها و تعهدات هر دو نقش حرفه و خانواده را ندیده می‌انگارند. دلیل آن این است که آن دسته از زنان شاغل که خود را در اداره‌ی کار خانه ناموفق می‌دانند، این عدم موفقیت را به زیاد بودن حجم کارهای خانه‌داری و بچه‌داری منسوب می‌کنند، نه تعارض میان کار داخل و کار بیرون؛ بنابراین آن‌ها مسئله‌ئی به عنوان تعارض را نمی‌پذیرند و منشأ عدم موفقیت خود را به تعدد و حجم کارهای درون خانه منتسب می‌کنند و اشتغال و فشار کاری را ندیده می‌گیرند.

بنابراین در پاسخ این پرسش که عدم موفقیت زنان شاغل در امور خانه‌داری را چه‌گونه ارزیابی می‌کنند، بیشتر متمایل به مشکل شمردن وظائف خانه‌داری هستند.

جدول ۱۰- عامل عدم موفقیت زنان شاغل در امور خانه‌داری چیست؟

پاسخ‌ها	درصد
مشکل بودن و سختی وظائف شغلی	۴۵/۵
دشواری و حجم زیاد وظائف خانه‌داری	۵۴/۵
جمع	۱۰۰

بنا بر آنچه گذشت بحث تعارض میان نقش کار و خانه‌داری در بسیاری از موارد ابهام‌آمیز و تناقض‌آمیز به نظر می‌رسد و زنان به طور قاطع چنین تعارضی را نمی‌پذیرند. به‌علاوه، عواملی هم‌چون سابقه‌کار، شرایط زندگی، تعداد فرزندان و امکانات رفت‌وآمد و غیره می‌تواند به عنوان عوامل جنبی وجود و میزان چنین کش‌مکش و تعارضی را تحت تأثیر خود قرار دهد. به عنوان نمونه، متغیر سابقه‌کار زیاد میزان تعارض را کمتر نشان می‌دهد و با افزایش سابقه‌کار، کاهش تعارض ابراز شده‌است.

جدول ۱۱- تغییرات میزان تعارض کار-خانه‌داری با توجه به سابقه کار

سابقه کار	پائین	متوسط	بالا
میزان تعارض کم	۶	۵	۱۵
متوسط	۵۵	۵۹	۵۶
زیاد	۳۹	۳۶	۲۹

گویه‌ها و پاسخ‌ها

برای سنجش میزان تعارض نقش زنان شاغل خانه‌دار شش گویه مطرح گردید که مجموعه‌ی این گویه‌ها دارای هم‌بستگی درونی بود. از مجموع آن‌ها شاخص واحدی به دست آمد که در زیر توضیح داده می‌شود.

گویه‌ها

- ۱- زنان شاغل وقتی از سر کار به منزل برمی‌گردند، دیگر تمایل و حوصله‌ی برای کارهای خانه ندارند.
- ۲- بیشتر وقت‌ها زنان شاغل بیش از آن که به فکر کارشان باشند به فکر کارهای منزل هستند.
- ۳- گاهی اوقات احساس می‌کنم که نمی‌توانم هم یک زن شاغل و هم یک زن خانه‌دار باشم.
- ۴- گاهی اوقات فکر می‌کنم شغل‌ام اجازه نمی‌دهد که با دقت کافی به خانه و خانواده برسم.
- ۵- زنان شاغل آرامش خاطر و آسودگی زنان خانه‌دار را ندارند.
- ۶- اگر شغل‌ام طوری بود که می‌توانستم وقت بیشتری صرف خانه و خانواده‌ام کنم راضی‌تر بودم.

پاسخ‌ها

پاسخ‌های زنان با توجه به شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیشتر زنان تا حد متوسطی تعارض نقش کار-خانه‌داری را احساس می‌کنند (۵۷درصد) و در مورد بیش از یک‌سوم آن‌ها (۳۵درصد) تعارض بسیار شدید است. نسبت پاسخ‌گویانی که تعارض کمی احساس کرده‌اند، تنها ۸درصد است.

از نتایج آماری جدول چنین برمی‌آید که زنان شاغل با سابقه‌ی اشتغال کم، تعارض نقش بیشتری احساس می‌کنند و زنان با سابقه‌ی بیشتر و اندوخته‌ی تجارب خود، آمادگی بیشتری برای حل تعارض میان خانه‌داری و اشتغال بیرون دارا هستند. ممکن است جوانی و تعداد فرزندان نیز این تعارض را برای زنان جوان افزایش دهد.

زنانی که هنوز خود را آماده‌ی پذیرش وظائف خانه‌داری نساخته‌اند، با تعهدات و مسئولیت‌های کار بیرون از خانه مواجه می‌شوند و احساس تعارض خانه‌داری-کار در آن‌ها شدت پیدا می‌کند. اما زنان شاغل با تجربه‌ی کاری بیشتر مواجهه با این تعارض را از طریق راه‌کارها و ابتکارات و نوع تغییراتی که در محیط کار خانه و محیط کار بیرون ایجاد می‌کنند بین کار درون و بیرون سازش بیشتری ایجاد و تعارض کمتری احساس می‌کنند؛ در حالی که زنان کم‌سابقه فاقد چنین آمادگی و تجاربی هستند.

در این‌جا نباید اهمیت ادراک نقش را در حل تعارض نادیده گرفت. در واقع، کسانی که تابع الگوی جنسیتی نقش هستند، در درجه‌ی اول خود را یک زن خانه‌دار می‌دانند که شغل‌شان جنبه‌ی فرعی و ثانوی دارد؛ در حالی که برای کسانی که نقش اجتماعی بیرون از خانه را اصل می‌دانند و حرفه‌ی خود را مقدم می‌شمارند، مسلماً کار خانه را به نفع شغل و حرفه‌ی خود بی‌اهمیت جلوه می‌دهند یا راه‌های دیگری برای آن پیدا می‌کنند و یا در تعارض باقی می‌مانند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که در نمونه‌های آماری این بررسی، اکثریت (۶۰ درصد) زنان در جامعه بر نقش سنتی و وظائف و مسئولیت‌های خانه‌داری تأکید کرده، آن را می‌پذیرند، و عقیده دارند که وظیفه‌ی یک زن بیش از اشتغال به کار در خارج از خانه، پرداختن به وظائف مادری و همسری است و مرد علی‌الاصول نان‌آور خانواده و شاغل اصلی محسوب می‌شود. آن‌ها همچنان به تفکیک این دو نقش قائل‌اند، هر چند که عملاً خود به کار اشتغال دارند. با این حال، اکثریت قابل ملاحظه‌ئی در همان حال در حد متوسط خواهان تعدیل نقش‌های سنتی خود هستند (۷۷ درصد) و معتقد‌اند که وظائف خانه‌داری مسئولیت مشترک زنان و همسران آن‌ها است و همسران زنان شاغل نباید انتظار داشته‌باشند که آنان در امور خانه‌داری نیز از هر حیث موفق باشند و انتظار کمک از همسران خود دارند؛ اما عملاً پاسخ مطلوبی از همسران‌شان دریافت نمی‌کنند (بیش از نیمی از زنان شاغل میزان مشارکت همسران‌شان را در امور خانه‌داری کم ارزیابی می‌کنند). به هر حال، زنان در عین حال که علاقه‌مندند هر دو نقش را ایفا کنند، اما قادر به پاسخ‌گوئی و ایفای نقش‌های متعدد در مسئولیت سنگین خانه‌داری در کنار وظائف سنگین شغلی خود نیستند. این امر به‌خصوص برای زنان شاغل با تحصیلات پائین که احياناً همسران کم‌سواد یا بی‌سواد دارند و سابقه‌ی کمتری در شغل خود دارند، با دشواری‌ها و مشکلات بیشتری همراه است. بنابراین، اگر تعارض میان خانه‌داری و اشتغال را در مجموع قطعی بدانیم، رفع این تعارض یا کاهش آن هم بستگی به تفاهم بیشتر میان زنان و همسران آن‌ها دارد که انتظارات خود را از زنان شاغل خود کاهش دهند و در دیدگاه‌های سنتی خود در مورد نقش زن تجدید نظر کنند و در عین حال تعهد در امور داخلی خانواده را از وظائف انحصاری زنان تلقی نکنند؛ در عین حال زنان با توجه به جو عاطفی و تأثیر بیشتری که بر

تربیت کودکان خود دارند نقش درون خانواده را ثانوی و فرعی محسوب نکرده، نسبت به آن بی‌اعتنا باقی نمانند یا احیاناً به مشاغل پاره‌وقت بپردازند. تجربه‌ی کشوری مانند فرانسه نشان می‌دهد که در شرایطی که نسبت زنان شاغل افزایش قابل ملاحظه‌ئی پیدا می‌کند و کار بیرون از خانه، به‌خصوص در مرحله‌ی پیش‌رفت کار صنعتی جدی‌تر و سنگین‌تر می‌شود، حل این تعارض بدون کمک‌های همه‌جانبه‌ی دولت و کمک تأمین اجتماعی در سطح وسیع امکان‌پذیر نخواهد بود؛ اما باید شرایط خاص فعالیت و اشتغال و نیازهای روزافزون اقتصادی خانواده را نیز از عوامل مهم این معضل به حساب آورد.^۱

۱- در اردی‌بهشت امسال (آوریل ۲۰۰۳)، به هنگام برگزاری کنفرانس سالانه‌ی خانواده در فرانسه، وزیر مشاور در امور خانواده، تصمیم مهم و بی‌نظیری را اعلام داشت برای آشتی بین زندگی کار و زندگی خانوادگی در جهت نگهداری از اطفال مادرانی که با داشتن کودک کم‌سن‌وسال به کار بیرون می‌پردازند. کمک‌های جامع برای تمامی خانواده‌ها شامل ۲۰۰ هزار خانوار که موجب خواهد شد ضمن نگهداری از کودکان خانواده‌ها بتوانند به کار برگردند (طرح PAJF). در حقیقت، دولت متعهد شد که تمامی هزینه‌های نگهداری فرزندان زانی را که کار بیرون دارند بپردازد تا چه در شیرخوارگاه و چه با استفاده از کمک در خانه، خیال‌شان آسوده باشد. این برنامه، مبلغی در حدود یک‌میلیارد یورو در سال برای دولت فرانسه هزینه خواهد داشت (لوموند، ۳۰ آوریل ۲۰۰۳، ص ۹).

منابع

- ۱- آقائی، فرشته. *سنجش نگرش مردان شاغل در آموزش و پرورش نسبت به اشتغال زنان در خارج از خانه*. پایان‌نامه‌ی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکز، سال تحصیلی ۴-۱۳۷۳.
- ۲- احمدنیا، شیرین. «برخی عوامل فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان». *نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران (ویژه‌نامه‌ی دومین هم‌ایش مسائل اجتماعی ایران)*. شماره‌ی ۴، ۱۳۸۰، صص ۷۱ تا ۸۳.
- ۳- اعزازی، شهلا، ۱۳۷۶. *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران. انتشارات روشن‌گران.
- ۴- توسلی، غلام‌عباس، ۱۳۸۱. *جامعه‌شناسی کار و شغل*. تهران. انتشارات سمت. چاپ پنجم.
- ۵- توسلی، غلام‌عباس. «عوامل اجتماعی تعلیم و تربیت». *فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت*، نشریه‌ی پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. شماره‌ی ۳، پائیز ۱۳۷۹، صص ۷۵ تا ۱۰۶.
- ۶- رابرتسون، یان، ۱۳۷۲. *درآمدی بر جامعه*. ترجمه‌ی حسین مه‌ریان. تهران. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۷- راوودراد، اعظم. «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال». *نامه‌ی علوم اجتماعی*. شماره‌ی ۱۵، بهار و تابستان ۱۳۷۹، صص ۳ تا ۲۷.
- ۸- ریتزر، جورج، ۱۳۷۴. *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی.
- ۹- سفیری، خدیجه، ۱۳۷۷. *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*. تهران. مؤسسه‌ی فرهنگی-انتشاراتی تبیان.
- ۱۰- شادی‌طلب، ژاله، ۱۳۷۶. «توسعه و عقب‌ماندگی زنان». *نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران*. شماره‌ی ۲، پائیز ۱۳۷۶، صص ۱۴۷ تا ۱۶۸.
- ۱۱- مگالن، مارتین، ۱۳۷۰. *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه‌ی حمید الیاسی. تهران. نشر مرکز.
- ۱۲- *سال‌نامه‌ی آماری کشوری*، ۱۳۷۷. انتشارات مرکز آمار ایران.
- ۱۳- *جزوات آماری سرشماری سال ۱۳۷۵*، انتشارات مرکز آمار ایران.

14- Mathilde, Mathieu. "Concilier travail et vie familiale". *Le Monde*. No. 30, Avril 2003, p. 9.